

کلام و عرفان



قواعد عقلی

(فلسفی، کلامی، منطقی)

و روایات مهدویت (۱)

سید محمدعلی داعی نژاد*

چکیده

این نوشتار پیش‌درآمدی بر مقاصد و شیوه پژوهشی است که در شماره‌های دیگر در زمینه تبیین رویکرد عقلی ائمه به مسئله امامت و مهدویت ارائه می‌شود. کتب حدیثی در باب تبیین و اثبات امامت و مهدویت، ادله، قواعد و اصول عقلی (کلامی و فلسفی) مهمی را به کار برده‌اند. *اصول کافی* نمونه‌ای از کتاب‌های حدیثی در این زمینه است.

پیشوایان معصوم با استفاده از این قواعد و اصول و بهره‌مندی از شیوه‌های مناسب منطقی، حقایق را در زمینه امامت و مهدویت به خوبی تبیین و اثبات نموده‌اند که در شماره‌های دیگر به شرح و تبیین آنها خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی

امامت، مهدویت، قواعد فلسفی، قواعد کلامی، قواعد منطقی، احادیث اعتقادی.

مقدمه

مسئله مهدویت از جمله اعتقاداتی به شمار می‌رود که در اسلام از منزلت و مقامی اصیل و بنیادین برخوردار است.

فرقه‌های اسلامی درباره این مسئله وفاق جمعی دارند و این مسئله آموزه‌ای است که کتب روایی شیعه و سنی بدان پرداخته‌اند.

البته در حقیقت مهدویت تداوم و استمرار همان امامت است و بررسی مسئله مهدویت بی‌توجه و تحلیل آموزه امامت و ضرورت وجود امام امکان ندارد.

مسئله مهدویت و امامت از ابعاد مختلفی امکان بررسی دارد. بررسی وجوه عقلی به کار رفته در آموزه مهدویت در ضمن تحلیل و تبیین روایات مهدویت از رویکردهای پژوهش در مهدویت است که این نوشتار بدان می‌پردازد.

توجه به کلمات و احادیث معصومان و اهل بیت عصمت از ضرورت‌های پژوهش در حوزه دین پژوهی به ویژه اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی به شمار می‌رود که از محورهای مهم آن امامت و مهدویت است.

روایات اسلامی و احادیث اهل بیت آن چنان معارف عمیق، گسترده و گران قدری را در خود نهفته دارند که غور و جست‌وجو در آنها و استفاده و استخراج گوهرهای گران‌بهای پنهان در آنها تا پایان زندگی انسان‌ها می‌تواند ادامه داشته باشد؛ چرا که علم و دانش اینان ناشی از علم لایزال الهی است که بندگان ویژه خویش را سیراب کرده و آنان را مشعل‌داران صراط مستقیم قرار داده است.

گنجینه روایی مسلمانان ابعاد گسترده‌ای دارد و قلمرو اعتقادات و احکام و اخلاقیات را دربر می‌گیرد. این گنجینه همواره الهام‌بخش متکلمان، فلاسفه، فقها، متفکران و دانش‌مندان بوده است.

البته به گونه شایسته و بایسته به این گنجینه توجه نشده است، به ویژه در قلمرو مسائل اعتقادی و فلسفی که می‌توان گفت روایات و احادیث کلامی و فلسفی به گونه‌ای فراموش شده‌اند.

به راستی در کنار کتب فقهی و اخلاقی که تا اندازه‌ای بهره‌مند از روایات و احادیث اهل بیت هستند، به چه میزان کتب فلسفی و کلامی ما به روایات و کلمات معصومان پرداخته‌اند و تا چه اندازه تعمق و تفسیر درباره آنها صورت گرفته است؟ برای نمونه بر کتاب وزین روایی کافی چند شرح و تفسیر وزین عقلی نوشته‌اند و قواعد و اصول کلامی و فلسفی نهفته در این گنجینه روایی را تا چه اندازه استخراج و تبیین نموده‌اند؟ اجتهاد در باب روایات فقهی چه اندازه در باب روایات اعتقادی انجام شده است؟

بی‌شک روایات اعتقادی از عمق و گستردگی معنایی بیشتری برخوردارند و به تعمق و اجتهادی فزون‌تر نیازمندند. پیشوایان معصوم ما، با وجود آن که واژه‌های معمولی و عرفی

روایات اسلامی و احادیث اهل بیت آن چنان معارف عمیق، گسترده و گران قدری را در خود نهفته دارند که غور و جست‌وجو در آنها و استفاده و استخراج گوهرهای گران‌بهای پنهان در آنها تا پایان زندگی انسان‌ها می‌تواند ادامه داشته باشد

را برای ابراز مقاصد خویش به کار می‌برده‌اند و کوشش داشته‌اند که آنها را تغییر ندهند، خود دستگاهی مستقل برای معناشناسی نیز داشته‌اند. آنان از موضوعی برتر و بسیار بالاتر از دانش‌وران بشری، جهان را درک و احساس می‌کرده‌اند و ناگزیر بوده‌اند این درک تازه را که با درک ما یک‌سان نیست، در قالب‌های لفظی متداول و معمولی به کار برند.

آنان هم از نظر معنا در این محدودیت به سر می‌بردند که حد عقل و فهم ما را رعایت کنند و هم از نظر تعبیر و بازگو کردن در این مسیر تنگ گرفتار بودند که از ساختار زبانی معاصر خویش استفاده کنند تا مخاطبان بفهمند و دریابند.

اما گاه این معنا چنان عمیق و ژرف بوده که واژه‌ها و ساختار زبان تحمل انتقال را نداشته‌اند. در این موارد، پیشوایان معصوم، واژه‌هایی نزدیک به معنای مقصود خود را برمی‌گزیدند و پیرایه‌های نامناسب معنایی آن واژه را کنار می‌نهادند.

این مطلب یعنی وجود معانی بلند در واژه‌های عرفی که امامان بدان اشارت داشته‌اند نیز بوده است و از این رو، آنان برخی احادیث را «صعب مستصعب» خوانده‌اند و فرموده‌اند:

إِنَّ حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلِكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ إِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ أَوْ مَدِينَةٌ حَصِينَةٌ؛^۱
حدیث ما، سخت و پیچیده است و جز فرشته مقرب یا پیامبر فرستاده شده یا بنده‌ای که خدا دلش را به ایمان آزموده و یا شهری با برج محکم آن را در نمی‌یابد.

احادیث اعتقادی (مانند احادیث طینت، سعادت، جبر و اختیار، معراج، عرش، کرسی، لوح و قلم) همه از این سنخند و احادیث فقهی مقایسه شدنی با این گونه احادیث نیستند. بسیاری از مناجات‌ها و دعاهای ائمه نیز از این دسته‌اند.

بدون شک فهم این گونه احادیث و ادعیه نیازمند ریاضت‌های عقلی و روحی و کاوش‌های عمیق و دقیق زبانی و فکری است. علامه شعرانی در همین راستا در تعلیقه‌اش بر یکی از شروح *اصول کافی* می‌نویسد:

مردم پیش از صدر المتألهین می‌پنداشتند که سخنان امامان خطاب‌های مناسب با اندیشه مردم عادی است، جز تعداد اندکی از احادیثی که علمای بزرگ به شرح آنها پرداخته‌اند، اما چون

صدر المتألهین، احادیث مربوط به اصول عقاید را شرح داد، ثابت شد که تمام آن چه امامان گفته‌اند، برهانی و مبتنی بر دقایق علم توحید است.^۲

به جرئت می‌توان ادعا کرد که درباره مجموعه‌های روایی به ویژه روایات کلامی و فلسفی شرح‌های فراوانی وجود ندارد و آن چنان که در برخی عرصه‌های روایی (برای نمونه روایات فقهی) تعمق صورت گرفته و سال‌ها پژوهش انجام شده، در این عرصه کاری در خور تحقق نیافته است و به تعبیر یکی از اساتید بزرگوار، در کنار فقه اصغر نیازمند فقه اکبر هستیم.

برای نمونه، با مراجعه به کتابی هم‌چون *النذریه*^۳ شرح‌های متعددی را بر *اصول کافی* می‌یابیم، اما کمتر شرحی را هم‌چون شرح مرحوم صدر المتألهین شیرازی می‌بینیم. شرح ملاًصالح مازندرانی و شرح علامه مجلسی از دیگر شرح‌ها، بر کتاب *کافی* به شمار می‌روند.

علامه شعرانی در ذیل آخرین حدیث در شرح ملاًصدرا می‌نویسد:

این حدیث، آخرین حدیثی است که صدر المتألهین شیرازی، در *اصول کافی* توفیق شرح آن را یافته است... شرح او پیش‌گام تمام شرح‌های دیگر است؛ زیرا تمام آن چه در شرح‌های دیگر آمده، یا از لفظ و عین عبارت شرح ملاًصدرا برگرفته‌اند و یا با الهام از محتوای شرح او مطالبی را در شروح خود ذکر کرده‌اند و هیچ‌یک از شارحان *کافی*، پس از این حدیث که شرح تحقیقی ملاًصدرا بر آن پایان یافته، شرح ژرف و تحقیقی بسان آن چه در این شرح آمده، نیاورده‌اند، مگر ذکر رخداد‌های تاریخی یا تفاسیر لفظی و...^۴

این نوشتار، در باب تبیین و تحقیق روایات کلامی - فلسفی موجود در گنجینه روایی شیعیان می‌کوشد به صورت ترتیبی در هر نوبت روایت یا روایاتی را بررسی کند و مسائل و اصول و قواعد کلامی و فلسفی مطرح در آنها را استخراج کند و سپس به تبیین و تفسیرشان بپردازد.

با توجه به اهمیت کتاب *وزین اصول کافی* و ضرورت پرداختن به مباحث امامت و مهدویت، به بررسی روایات کتاب «الحجّة» می‌پردازیم.

علامه محمدتقی مجلسی در باب منزلت کلینی مؤلف کتاب *کافی* نوشته است:
حق آن است که در میان علمای ما، نظیر کلینی یافت نمی‌شود و هر کس در روایات و ترتیب کتابش تدبیر کند، درمی‌یابد که او از ناحیه خداوند متعال مورد تأیید بوده است.^۵

نجاشی در این باره نوشته است:
کلینی، شیخ و چهره برجسته اصحاب، در ری، در دوران خود بود و موثق‌ترین و ضابط‌ترین مردم در حدیث به شمار می‌رود. او کتاب بزرگ خود به نام *کافی* را در بیست سال نگاشت.^۶

هم‌چنین شیخ مفید در منزلت کتاب *کافی* معتقد است:
کافی از مهم‌ترین و پرفایده‌ترین کتاب‌های شیعه محسوب می‌شود.^۷
در این شماره برای پیش‌درآمد بر این بحث، به تبیین موضوع بحث، روش و شیوه و ابعاد بحث و پیشینه این رویکرد خواهیم پرداخت:

نکته اول: تبیین موضوع

همان‌گونه که گفته شد مسئله امامت و مهدویت از موضوعات بسیار مهم در اعتقادات اسلامی است. در اهمیت امامت همین بس که کمال اسلام به ابلاغ امامت منوط شده و بدین ترتیب، کمال دین بر پذیرش امامت متوقف گردیده است.^۸
مهدویت از آن رو که تداوم امامت و تجلی آن در هر زمان و مکانی است، علاوه بر برخورداری از اهمیت امامت، علت باقی ماندن امامت به شمار می‌رود و بقای امامت در پرتو مهدویت به ظهور می‌رسد.

مسئله امامت و مهدویت از زاویه‌های مختلفی بررسی و پژوهش می‌شود که همه این زوایا و منظرها از اهمیت ویژه برخوردار است. مسئله امامت و مهدویت گاه از منظر تاریخی کاویده شده و تحلیل‌ها و اسناد تاریخی در آن باره بحث و بررسی شده‌اند و گاه از منظر تجربی کاوش شده و امکان و کیفیت آن بررسی و تبیین شده است. گاهی نیز از زاویه عقلی و فلسفی به مسئله امامت و مهدویت نگاه شده است و متکلمان و فلاسفه به بررسی این موضوع پرداخته‌اند و زمانی نیز امامت و مهدویت از نگاه عرفان تحقیق شده است. البته به زوایای دیگری نیز در بررسی امامت و مهدویت توجه می‌کنند، ولی متأسفانه از زوایایی که کمتر به آن توجه شده، بررسی مسئله امامت و مهدویت از منظر روایات و احادیث معصومان است.

این نوشتار مسئله امامت و مهدویت را از زاویه روایات و احادیث معصومان تحلیل و بررسی می‌کند و تحلیل‌های عقلی موجود در روایات را با زبان کلام و فلسفه تبیین می‌نماید و آغازگر این بحث را پژوهش در کتاب وزین و معتبر *اصول کافی* (باب الحجة) قرار داده است.

به عبارت دیگر، این تحقیق با تبیین کلامی و فلسفی روایات امامت و مهدویت و

این تحقیق با تبیین کلامی و فلسفی روایات امامت و مهدویت و روش‌های منطقی به کار رفته در اثبات موضوعات به شرح و تبیین منطقی، کلامی و فلسفی مسئله امامت و مهدویت از منظر روایات می‌پردازد

بررسی الگوها و روش‌های منطقی به کار رفته در اثبات موضوعات به شرح و تبیین منطقی، کلامی و فلسفی مسئله امامت و مهدویت از منظر روایات می‌پردازد.

نکته دوم: شیوه تحقیق و بررسی روایات عقلی در باب امامت و مهدویت

کوشیده می‌شود در بررسی هر روایت مراحل ذیل انجام شود:

یکم. ترجمه دقیق روایت

در ابتدا ترجمه‌ای دقیق از روایت ارائه می‌شود تا بدین وسیله تصویر اولیه روشنی از روایت بدون مداخله توضیحی دیگر ارائه شود تا همه توضیحات بعدی براساس این تصویر اولیه و به پشتوانه آن باشد و تفاسیر و شرح‌ها از شائبه تفسیر به رأی و تحمیل آراء بر متون دینی به دور باشد.

دوم. توضیح برخی مفاهیم در صورت لزوم

بدون شک عبارات و جملات به پشتوانه واژه‌ها و مفاهیمی هستند که در آنها به کار رفته است و این واژه‌ها و مفاهیم هم‌چون اجزاء یک کل برای جملات و عبارات به کار می‌روند.

بی‌شک فهم کل بدون فهم اجزا امکان نمی‌پذیرد و بدین جهت هرچه مفاهیم و واژه‌ها از وضوح بیشتری برخوردار باشند و توضیح بیشتری بیابند، فهم کل بهتر و روان‌تر تحقق خواهد یافت. از این رو، در مرحله بعد به توضیح واژه‌ها و مفاهیمی پرداخته می‌شود که در تبیین موضوع و فهم روایت دخیلند، به ویژه واژه‌ها و مفاهیمی که به هر علتی هاله‌ای از ابهام آنها را فرا گرفته است و یا متضمن معانی بلندی هستند که در تأمل اولیه درک نمی‌شود.

سوم. تبیین مدعاها و استدلال‌ها

در این محور مدعاهایی که در روایت وجود دارد، کشف و تبیین می‌شود و سپس دلایلی که در روایات برای اثبات آن مدعاها ارائه شده، مشخص و توضیح داده می‌شود و هم‌چنین تعیین می‌شود که این استدلال‌ها چه مقدماتی را به کار برده‌اند.

چهارم. ارائه قالب منطقی استدلال‌ها

در این محور شیوه منطقی استدلال به کار رفته در روایت به لحاظ علم منطق مشخص می‌شود و به توضیح آن شیوه‌ای

پرداخته خواهد شد که مورد استفاده قرار گرفته است. بدین ترتیب، روشن می‌گردد که معصومان از چه الگوهای رفتاری در برابر مخاطبان خود و برای اثبات مقاصدشان استفاده کرده‌اند. مرحوم صدرالمتألهین شیرازی درباره فایده منطق معتقد بوده است:

منطق ترازوی ادراک است که افکار بدان سنجیده می‌شود تا فکر درست از نادرست شناخته شود.^۹

پنجم. تبیین قواعد و اصول کلامی و فلسفی موجود در روایت

در این محور مشخص می‌شود که معصوم برای اثبات مقصود خود از چه قواعد و اصول کلامی و فلسفی استفاده کرده است. ممکن است تعاریف و معانی مختلفی برای قواعد و اصول کلامی و فلسفی ذکر شود، ولی مراد در اینجا عبارت است از آن دسته از مسائل کلامی و فلسفی که متضمن نوعی عمومیت و تعمیمند و در مسائل متعددی کاربرد دارند، مانند اصل فلسفی استحاله اجتماع نقیضین یا قاعده کلامی لطف.^{۱۰}

در این محور قاعده کلامی و فلسفی مورد استفاده شناخته می‌شود و نقش آن در اثبات موضوع مورد نظر معصوم تبیین می‌گردد.

ششم. شرح قواعد و اصول کلامی فلسفی در روایت در صورت لزوم

گاه ممکن است شناخت بیشتر قواعد به کار رفته در روایت، در فهم آن روایت تأثیر داشته باشد که در این صورت به جهت آن که شرح روایت با شرح قاعده فلسفی آمیخته نشود، جداگانه به توضیح بیشتر قاعده فلسفی - کلامی پرداخته می‌شود.

نکته سوم: پیشینه شرح روایات اعتقادی

دانش‌مندان و متفکران ما در طول تاریخ، برای گردآوری و تنظیم و تنسيق روایات زحمات طاقت‌فرسای کشیده‌اند. آنان کوشیده‌اند زمینه‌های استفاده بهتر و فهم بیشتر از روایات را فراهم کنند. در همین زمینه اقدامات مناسبی انجام شده که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

- گردآوری احادیث و تنظیم جوامع حدیثی؛

- بررسی اسناد و رجال حدیث و تنظیم کتب رجالی؛

- تعیین میزان اعتبار سندی روایات (صحیح، حسن و...)

- تدوین کتبی در تبیین و توضیح لغات مشکل و واژه‌های غریب؛

- تعلیقه و شرح بر احادیث در راستای فهم بهتر احادیث و...^{۱۱}

البته همان‌گونه که گذشت، هرچند دانش‌وران شیعه کوشش‌هایی بسیار در زمینه احادیث و روایات معصومان صرف کرده‌اند، این گنجینه گران‌بها (سنت) که عدل قرآن به شمار می‌رود، از چنان عمق و گستردگی برخوردار است که این تلاش‌ها در پیش‌گام‌های ناچیز به شمار می‌رود و شایسته و بایسته است که به این ذخایر الهی توجه بیشتری شود و توشه‌های فزون‌تری چیده شود.

شروحاتی که عالمان بزرگ بر کتب روایی نوشته‌اند، نشان می‌دهند که شرح و تعلیق بر احادیث اعتقادی توجّه بیشتری می‌طلبد.

هم‌چنین نگاه بر این شروح نشان می‌دهد که آن‌مقدار نیز که به شرح روایات اعتقادی پرداخته‌اند، با توجّه به عمق و دقت مباحث اعتقادی، جالب توجه نیست و از باب نمونه، کمتر شرحی بر روایات اعتقادی هم‌چون شرح صدرالمتهلّین شیرازی بر اصول کافی را می‌توان نام برد که البته همین شرح نیز نوشته‌ای بر همه روایات اعتقادی اصول کافی نیست.

بدین ترتیب، شایسته است دوست‌داران معارف اهل‌بیت با محور قرار دادن معارف روایی به ویژه در باب مباحث اعتقادی به تعمق در این روایات و تبیین و شرح آنها بیشتر اهتمام ورزند.

هرچند دانش‌وران شیعه کوشش‌هایی بسیار در زمینه احادیث و روایات معصومان صرف کرده‌اند، این گنجینه گران‌بها (سنت) که عدل قرآن به شمار می‌رود، از چنان عمق و گستردگی برخوردار است که این تلاش‌ها در پیش‌گام‌های ناچیز به شمار می‌رود

پی نوشت

- * عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، مدیر گروه آموزش تخصصی شیعه شناسی حوزه علمیه، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمية.
۱. شیخ صدوق، *الخصال*، ص ۲۰۸، روایت ۲۷، انتشارات مکتبه الصدوق، تهران ۱۳۸۹ ش.
 ۲. ملا صالح مازندرانی، *شرح اصول کافی*، ضبط و تصحیح سیدعلی عاشور، ج ۳، ص ۲۱۶، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۲۱ قمری.
 ۳. *النریعه*، ج ۱۳، ص ۹۵ - ۱۰۰ و ج ۶ ص ۱۷۹، انتشارات دارالاضواء، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
 ۴. *شرح اصول کافی*، ج ۵، ص ۱۶۹ - ۱۷۰ (پاورقی).
 ۵. عبدالرسول غفار، *کافی*، ج ۱، ص ۲۰، (مقدمه)، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۱۶ قمری.
 ۶. نجاشی، *رجال*، ج ۱، ص ۳۷۷، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۱۶ قمری.
 ۷. *تصحیح الاعتقاد*، ص ۲۷.
 ۸. سوره مائده، آیه ۳.
 ۹. صدرالمآلهین شیرازی، *منطق نوین*، با ترجمه و شرح عبدالمحسن مشکوة الدینی، ص ۴۳، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۲ شمسی.
 ۱۰. غلام حسین ابراهیمی دینانی، *قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی*، ج ۱، ص ۱ - ۴، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۸۰ شمسی.
 ۱۱. سیدرضا مؤدب، *تاریخ حدیث*، ص ۱۵۵ - ۱۷۱، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ شمسی.